

ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی شناختی متربیان (توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی مادی یا معنوی توان خلق آثار هنری و قدردانی از آثار و ارزش‌های هنری) است.

ب) رویکرد

در ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری، تربیت هنری موضوع محور، به مثابه رویکرد اصلی و رویکرد دریافت احساس و معنا به منزله رویکرد مکمل و به مثابه جهت گیری کلی این ساحت انتخاب شده است.

رویکرد تربیت هنری موضوع محور در مقایسه با رویکردهای دیگر، جامعیت بیشتری دارد. این رویکرد، ضمن برخورداری از سه قلمرو معرفتی تولید هنر، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی که فصل مشترک سه رویکرد مطرح در ساحت زیبایی‌شناختی و هنری شمرده می‌شود شامل قلمرو معرفتی نقد هنر نیز هست که وجه تمایز این رویکرد نسبت به رویکردهای دیگر بهشمار می‌آید.

اتخاذ رویکرد دریافت احساس و معنا شامل دو فرآیند خلق معنا و کشف معناست. به عبارت دیگر، خلق هنر، نوعی رمزگذاری یا رمزگردانی و درک و دریافت هنر، نوعی رمزگشایی است. خلق معنا یا رمزگذاری، خاص هنرمند و کشف معنا یا رمزگشایی، مختص به افراد عادی و غیر اهل فن است؛ مشروط به آن که ادراک زیبایی‌شناسی آن‌ها پرورش یافته باشد. از این‌رو هدف تربیت هنری، نه پرورش هنرمند حرفه‌ای، که پرورش ادراک زیبایی‌شناسی در همه متربیان است. لذا لازم است در کنار رویکرد تربیت هنری موضوع محور، به رویکرد ادراکی دریافت احساس و معنا هم توجه شود و این دو رویکرد مبنای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی واقع شوند.

ج) اصول

- تأکید بر پرورش حواس؛
- فراهم‌سازی زمینه‌های مناسب پرورش تخیل و قوه خیال؛ (ناظر به اصل همه‌جانبه‌نگری از اصول حاکم بر تربیت رسمی و عمومی).
- تأکید بر فراهم‌سازی زمینه‌های کسب شایستگی رمزگذاری و رمزگشایی برای متربیان؛ (ناظر به اصل انطباق با نظام معیار دینی و اصل همه‌جانبه‌نگری از اصول حاکم بر تربیت رسمی و عمومی).
- تلقی تربیت زیبایی‌شناختی و هنری به مثابه تربیت همگانی؛ (ناظر به اصل عدالت و اصل همه‌جانبه‌نگری از اصول حاکم بر تربیت رسمی و عمومی).

- تأکید بر فراهم‌سازی زمینه‌ها و شرایط آفرینش‌گری و خلاقیت برای متربیان؛ (ناظر به اصل تکیه بر نظام معیار و خردورزی از اصول حاکم بر تربیت رسمی و عمومی).
- تأکید بر تربیت زیبایی شناختی و هنری به منزله یک فرا برنامه درسی و روح حاکم بر کل برنامه‌های درسی؛ (ناظر به اصل استمرار و پیوستگی از اصول حاکم بر تربیت رسمی و عمومی).
- تأکید بر انعطاف‌پذیری تربیت زیبایی شناختی و هنری؛
- تأکید بر فراهم آوردن زمینه گرایش و تخصص هنری در متربیان؛ (ناظر به اصل پویایی از اصول حاکم بر تربیت رسمی و عمومی).

ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

الف) حدود و قلمرو

ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی یعنی بعده اقتصادی و معيشی انسان‌هاست. این ساحت ناظر به رشد توانایی‌های متربیان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای است؛ اموری نظیر درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار و احکام معاملات و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی.

ب) رویکرد

مهم‌ترین جهت‌گیری ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای جهت‌گیری کلی‌نگر و تلفیقی است که برخی مشخصه‌های آن عبارت‌اند از:

- توسعه متوازن و متعادل ابعاد و ساحت‌های وجودی فرد در راستای تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی؛
- درونی‌سازی ارزش‌های اصیل دینی و اخلاقی در زمینه اقتصادی و حرفه‌ای، مانند ارزش کار و تلاش، کسب حلال، انصاف و عدالت، تعاؤن، وفای به عهد، پرهیز از اسراف و تبذیر؛
- گرایش به ایجاد و توسعه شایستگی‌های متربیان برای یادگیری مادام‌العمر؛
- توجه به شکل‌گیری و توسعه الگوی مصرف مبتنی بر نظام معیار اسلامی؛

- رفع موانع بین مراحل تربیت رسمی و عمومی و ساحت‌های تربیت و بین نظام تربیت رسمی و عمومی و نیازهای جامعه و بین مدرسه و جامعه از طریق: تلفیق مناسب تربیت اقتصادی و حرفه‌ای با تربیت رسمی و عمومی در همه مراحل تربیت رسمی و عمومی، به حساب آوردن نیازهای فردی، تحول مشاغل و حرفه‌ها در جامعه و توجه به تجربه کاری (که بخشی از فرآیند یادگیری است).
- ایجاد شایستگی یادگیری مدام‌العمر، به‌گونه‌ای که به متربیان اجازه‌دهد برای شناخت و اصلاح مستمر موقعیت اقتصادی خود در جامعه بپردازند شایستگی‌های حرفه‌ای عام را به طور مداوم توسعه دهند.

در نتیجه، به جای رویکردهای دانش‌محور یا مهارت‌مدار خشک و محصور شده در یک دوره زمانی مشخص، به رویکردی کلگرا و تلفیقی از تربیت در ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای نیاز خواهد بود که نتیجه آن توسعه و تعالی کلیه ظرفیت‌های وجودی متربیان در راستای اصلاح و بهبود مستمر موقعیت خود و دیگران در همه ساحت‌ها، بهویژه تربیت اقتصادی و حرفه‌ای است و بی‌تردد یکی از زمینه‌های تحقق حیات طبیه در ابعاد فردی و اجتماعی به شمار می‌آید.

ج) اصول

- انعطاف‌پذیری (هم در ساختار نظام تربیت رسمی و عمومی از طریق هماهنگی ساختار نظام تربیت رسمی و عمومی با ساختار اقتصادی کشور و هم در برنامه درسی از طریق هماهنگی آن با ایجاد شایستگی‌های جدید در متربیان و بهروزسازی مستمر آن) (ناظر به اصل پویایی و انعطاف‌پذیری از اصول حاکم بر تربیت رسمی و عمومی).
- تأکید بر تربیت مستمر و مداوم (تربیتی که متربیان شایستگی‌های لازم را با خودآموزی مستمر و بهروزسازی توانمندی‌های خود به دست آورند) (ناظر به اصل استمرار و پیوستگی از اصول حاکم بر تربیت رسمی و عمومی).
- توجه به کارآفرینی (برنامه‌های درسی باید تا حد امکان بتواند متربیان را کارآفرین و توانمند تربیت کند، به نحوی که راههای آشتایی و پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع جامعه و بازار کار را فرا گیرند و بتوانند برای خود و دیگران کار تولید کنند) (ناظر به اصل پویایی از اصول حاکم بر تربیت رسمی و عمومی).
- توجه به تفاوت‌های فردی و تنوع علایق و استعدادهای متربیان در تولید برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس؛ (ناظر به اصل عدالت تربیتی از اصول حاکم بر تربیت رسمی و عمومی.)
- توجه به کسب شایستگی‌های عام، پیش‌نیاز رشد حرفه‌ای و اقتصادی؛